



مبنای قرآنی نفی خشونت در اندیشه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) مخالف اعمال خشونت به عنوان یک ابزار بودند و ریشه این گرایش بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در قرآن یافت.

امام خمینی(ره) مخالف اعمال خشونت به عنوان یک ابزار بودند و ریشه این گرایش بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در قرآن یافت.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) قصد دارد ضمن برگزاری همایش بین‌المللی «قرآن و امام خمینی(ره)»، به بررسی موضوعاتی نظیر اصول، مبانی و روش تفسیری قرآن از منظر امام خمینی(ره) و جایگاه و نقش قرآن در اندیشه نظری و سیره اجتماعی و سیاسی امام خمینی(ره) بپردازند. در همین راستا، در یادداشت ذیل، نوع مواجهه امام با مفهوم خشونت و خشونت‌ورزی و ریشه‌های قرآنی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبنای قرآنی خشونت‌ستیزی امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) رهبر انقلاب اسلامی ایران، بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بوده است، فکر ایشان ابعاد فراوانی دارد و این ابعاد را در بخش‌های عرفانی، فلسفی، فقهی، اخلاقی، تفسیری می‌توان مورد بررسی قرار داد، اما آنچه ایشان را متمایز می‌کند اتکای ایشان به قرآن در عمل اجتماعی و سیاسی است. برداشت ایشان از قرآن برداشتی مبتنی بر علم اسلامی و جهانبینی ویژه بوده است که در مقاله حاضر به آن پرداخته خواهد شد، آنچه این نوشتار در پی بیان آن است، نشان دادن مبنای قرآنی خشونت‌ستیزی امام خمینی(ره) است.

با توجه به شرایط امروز جهان اسلامی و ترویج اسلام‌هراسی توسط رسانه‌های غربی، توجه به رویکردهای انسانی، عقلانی و قابل دفاع اسلام در زمینه‌های سیاسی، اخلاقی و فرهنگی می‌تواند خط بطلانی باشد بر آنچه از اسلام معرفی می‌شود و اسلام نیست. نگاهی دقیق به اندیشه امام خمینی(ره) که نظام جمهوری اسلامی ایران از آن منبعث شده است به عنوان الگویی اسلامی برای حکومت و تدبیر جهان انسانی، خبر از آن می‌دهد که آنچه به عنوان اسلام‌هراسی ترویج می‌شود در آن جایی ندارد.

نفی خشونت به عنوان یکی از این محورها و ابعاد در نظام جمهوری اسلامی یادگاری از بنیانگذار فقید آن است. این مساله در اندیشه امام خمینی(ره) ریشه در اندیشه قرآنی ایشان دارد. ایشان به عنوان فقیهی مفسر، اندیشه‌هایی خشونت‌ستیزانه بر مبنای آیات الهی داشتند که می‌توان آن را در انسان‌شناسی ایشان دید. همچنین دیدگاه ایشان نسبت به واژه رحمت و جایگاه آن در قرآن موید چنین رویکردی است. در این میان رویکرد نفی خشونت توسط امام خمینی(ره) مطلق نبوده و ایشان اسلام را با منطق درونی اعتدالی آن در نظر گرفته‌اند. از سویی دیگر توجهات امام خمینی به رفع نزاع در میان مسلمانان و تاکید ایشان بر روش‌های مبتنی بر ملایمت در مبارزه سیاسی و اداره دولت خواستگاه‌هایی قرآنی دارد. در ادامه این نوشتار تلاش شده است تا در این زمینه اشاراتی تفصیلی صورت گیرد.

مراد از نفی خشونت

خشونت را استفاده از زور فیزیکی به منظور قراردادن دیگران در وضعیتی بر خلاف خواست و ارده خودشان تعریف کرده اند و مراد از نفی خشونت در نوشتار حاضر مخالفت با آغاز به خشونت و یا توصیه خشونت برای نیل به اهداف است. در این معنا خشونت به عنوان ابزار نفی شده است اما به عنوان چیزی که در وضعیت ضرورت باید به کار گرفته شود، نفی نمی‌شود. در این معنا خشونت به عنوان راهی اخلاقی نفی می‌شود و نه به عنوان راهی ناگزیر. مراد از نفی خشونت در اندیشه قرآنی امام خمینی(ره) فرازهایی در اندیشه امام است که در مقابل افراط، خشونت، تعارض وجود دارد و این‌ها به نوعی ریشه از قرآن است.

انسان‌شناسی قرآنی مبنای نفی خشونت(ع) از دیدگاه امام خمینی(ره)

خشونت مبتنی بر نوعی از انسان‌شناسی غیرعادلانه است. در یک رفتار خشونت‌آمیز فرد خشن خود را برتر از دیگری می‌داند و این خودبرتربینی می‌تواند مبنایی بر خشونت باشد. نگاهی به ایدئولوژی حزب سوسیال ناسیونالیست آلمان خبر از این پیوند می‌دهد، آلمانی‌های نازی که خود را برترین قوم در جهان می‌دانستند، محق بودند که اسلاوها، یهودیان، معلولان و ... هر فرد انسانی را که از نظر خود غیر انسان می‌دانستند از صحنه روزگار حذف کنند.

انسان‌شناسی رهبر انقلاب اسلامی ایران، اما مخالف چنین انسان‌شناسی است. این انسان‌شناسی که منبعث از آیه‌ای از قرآن است، همه انسان‌های را برابر می‌داند. امام خمینی(ره) ملاک ارزش و برتری انسان‌ها را نزد خداوند متعال نه بر مبنای رنگ، نژاد، جنسیت و قوم خاص که تقوای الهی می‌دانستند ایشان در همین راستا می‌فرمایند: اسلام با صراحت می‌گوید که آنی که

پیش خدا کرامت دارد، آدم متقی است؛ آدمی است که روشش صحیح باشد، تقوا داشته باشد، فاسد نباشد، مفسد نباشد و نسبت به همه عرب و عجم و گرد و ترک و اینها به طور علی‌السوا به همه نظر دارد. انسان‌شناسی الهی امام خمینی(ره) انسان را از آن روی که انسان است برای رسیدن به رستگاری برابر می‌داند. در جایی دیگر و به مناسبتی دیگر ایشان این نکته را خاطر نشان کرده و فرموده‌اند که «خدای تبارک و تعالی به طبقات نگاه نمی‌کند که این طبقه بالاست، این نخست‌وزیر است، این اعلی‌حضرت همایونی است، این نمی‌دانم چه است، این سردار است، نزد خدای تبارک و تعالی، اینها هیچ مطرح نیست. در اسلام، تقوا مطرح است. آنکه تقوا دارد، هر که تقوایش زیادت‌تر است، پیش خدا کرامتش زیادت‌تر است. با نگاهی به قرآن می‌توان ریشه چنین دیدگاهی را در قرآن جست. ایشان در مطالب بسیاری در قالب سخنرانی، نامه و ... که نمونه‌های از آن اشاره شد از زبان اسلام سخن می‌گویند، این ادعا می‌تواند با استنادات قرآنی تایید و یا رد شود. می‌توان با نگاهی به قرآن بخشی از این استنادات را یافت، برای مثال می‌توان بیانات ایشان را تعبیر دیگری از آیه ذیل دید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (حجرات، 13).

بر اساس مفاد این آیه می‌توان دریافت که انسان‌ها چه از لحاظ جنی و چه لحاظ قوم و یا هر ملاحظه این‌چنینی نزد خداوند برابرند و تنها تقوای الهی یکی از معیارهای ارزشمندی انسان عنوان شده است به بیان دیگر به مؤمنان خطاب شده است که آنها از رذایل اخلاقی برحذر نیستند و تنها وقتی می‌توانند به کرامت نزد خداوند شناخته شوند که تقوا پیشه گیرند. به بیان دیگر ارزش انسان به زن یا مرد بودن، رنگ خاصی داشتن نیست و انسان‌شناسی‌های مبتنی بر نژاد و قبیله مورد نقد و نفی واقع شده است.

با تاکید بر همسانی انسان‌شناسی امام خمینی(ره) با آیات متعددی در قرآن می‌توان نتیجه گرفت که ایشان در طرح مدعای خود مبنی بر طرح انسان‌شناسی مبتنی بر برابری بر اساس موازین قرآن حرکت کرده و می‌توان جهان‌بینی او را اسلامی دانست.

آغاز قرآن با تاکید بر سبقت رحمت بر غضب است

امام خمینی(ره) معتقد بودند که رحمت حق تعالی بر غضب او سبقت دارد، ایشان این آموزه را نیز به قرآن مستند می‌کنند. اشاره ایشان به وجود عنصر رحمت در آغاز قرآن استدلالی قرآنی به نفع رحمت است. البته ایشان این اعتقاد را به معنای نبود غضب در فعل الهی نمی‌دانند. ایشان کلید و آغاز قرآن را نشانی بر این حقیقت دانسته و می‌گویند:

«اسم رحمان و رحیم، و در تکرار رحمان و رحیم، قرآن آغاز شده است. خداوند به همهٔ بندگان خودش رحمت دارد و همین رحمت، موجب ایجاد بندگان و فراهم کردن اسباب رفاه و بندگی آنها است و همین رحمت، موجب فرستادن انبیای بزرگ است. رحمت خدا اقتضا دارد که بندگان خدا را هم در دنیا و هم در آخرت به سعادت برساند. تمام اسباب سعادت را - مادی و معنوی - فراهم فرموده است. بندگان خدا با اسم «رحمان» و با اسم «رحیم» موجود شدند، و ادامهٔ حیات در دنیا و آخرت می‌دهند و در عین حال که رحمت حق تعالی سبقت دارد بر غضب، لکن اگر چنانچه اقتضا بکند و مردم قدر رحمت حق تعالی را نداشته باشند و تخلف از فرمان حق تعالی بکنند و موجب فتنه و فساد بشوند، باب رحمت نیم بسته شود و باب غضب باز شود.»

نفی خشونت نسبی

این عبارات امام خمینی با تاکید بر جایگاه رحمت در قرآن و آغاز کتاب‌الله با رحمت به معنای نفی غضب و خشونت نیست. اولویت با رحمت و ملامت است و اندیشه قرآنی امام خمینی این مطلب را بیان می‌کند اما هیچگاه امام خمینی(ره) غضب و یا خشونت را به صورت مطلق نفی نکرده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که نفی خشونت در نزد امام خمینی(ره) نسبی است و این گفتمان با گفتمان اسلام رحمانی متفاوت است.

پیغمبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نبی رحمت بود و با مردم به رحمت رفتار می‌فرمود و همان رحمت بود که مردم را هدایت می‌کرد و برای مردم غصه می‌خورد. برای اشخاصی که در ضلالت بوده‌اند، به واسطهٔ رحمتی که داشت متأثر بود ولی وقتی که ریشه‌هایی را می‌دید که اینها مشغول فساد هستند و ممکن است که فساد آنها به فساد اُمَّت منتهی بشود و اینها غده‌های سرطانی بودند که ممکن بود جامعه را فاسد کنند، در عین حالی که نبی رحمت بود، باب غضب را باز می‌کرد. یهود بنی‌قریظه، همان کاسب‌هایی که الآن هم دنبالهٔ آنها صهیونیست‌ها هستند و فاسد، بعد از آنکه ملاحظه فرمود اینها فاسد هستند و موجب فساد می‌شوند، امر فرمود تمام آنها را گردن زدند؛ این مادهٔ سرطانی را از بین برداشتند. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با آن همه عتوفت، با آن همه رحمت، وقتی که ملاحظه فرمود خوارج مردمی هستند که فاسد و مُفسِد هستند، شمشیر کشید و تمام آنها را، الابعضی که فرار کردند، از دم شمشیر گذراند. در وقت رحمت، رحمت؛ و اگر کسانی لایق رحمت نباشند، انتقام و غضب.»

قرآن و منع نزاع

به نظر می‌رسد خشونت در راستای نگاهی رخ می‌دهد که اصل را بر نزاع نهاده است. می‌توان نگاه نزاع بنیان را شاکله اصلی خواند که به خشونت منجر می‌شود. در همین راستا امام خمینی(ره) علت خشونت و نزاع در بین مسلمانان را به دوری از قرآن و مهجوریت کتاب‌الله در بین مسلمانان نسبت می‌دهد: «قرآن و اسلام مهجور و مظلومند؛ برای اینکه مهجوریت قرآن و مهجوریت اسلام به این است که مسائل مهم قرآنی و مسائل مهم اسلامی یا بکلی مهجور است و یا برخلاف آنها بسیاری از

دولت‌های اسلامی قیام کردند. از مسائل مهم سیاسی قرآن دعوت به وحدت و منع از اختلاف است - با تعبیرهای مختلفی که در قرآن کریم هست - منع تنازع بین مسلمین و سران مسلمین است که نکته‌اش را هم فرموده است که «لَاتَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحَكُمْ». ما بررسی کنیم به اینکه آیا این دو اصل مهمی که دو اصل سیاسی مهم اسلامی است، در بین مسلمین چه وضعی دارد. آیا مسلمین اعتنایی کرده‌اند به این دو اصل؟ و آیا تبعیتی کرده‌اند از این دو اصل مهمی که اگر اطاعت از آن بکنند، تمام مشکلات مسلمین حل می‌شود و اگر اطاعت نکنند فشل می‌شوند و رنگ و بویشان از بین می‌رود؟»
همراهی رحمت و شدت در قرآن به صراحت مطرح شده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ: [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند.» (فتح، 29) رحمت و نفی‌خسونت در قرآن نیز به صورت نسبی و محدود عنوان شده است.

ریشه قرآنی تاکید امام خمینی(ره) به ملایمت در مبارزه سیاسی ایشان در مبارزه سیاسی به ملایمت تاکید داشتند. توجه به شرایط دوران ستم‌شاهی و آگاهی امام خمینی از وضعیت نامطلوب موجود و تاکید بر آرمانی قرآنی ایشان را به سوی مخالفت با رژیم طاغوت و مبارزه سیاسی کشاند. علاوه بر این که کل این حرکت در راستای بازگشت به قرآن ارزیابی شده است، راهکارهای و تاکتیک‌های این مبارزه سیاسی در نزد ایشان را نیز می‌توان قرآنی دانست.

راهکار امام خمینی(ره) در مبارزه سیاسی نیز مبتنی بر نفی خسونت و تاکید بر ملایمت بود. ظلم از نظر امام خمینی قابل تحمل نبود و از همین رو بود که ایشان به سوی مبارزه‌ای سیاسی حرکت کردند. اما در در همین راستا رویکرد امام خمینی(ره) مبتنی بر نفی خسونت بود، اوج چنین رویکردی را در نفی خسونت از سوی ایشان می‌توان دانست. رهبر انقلاب اسلامی در هنگام ترور منصور توسط فداییان اسلام از تایید این حرکت خودداری کردند. ایشان معتقد بودند که امام خمینی در جایی می‌گوید شما مطمئن باشید که ملت ما مسلم است و مسلم ترویست نیست (صحیفه امام، ج 11، ص 77 و 78)
امام خمینی(ره) در همین راستا می‌فرمایند: «در مسائل، ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خسونت تأثیر می‌کند. من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه فیضیه صحبت می‌کردم آن گاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می‌کردم همه خشکشان می‌زد ولی وقتی از رحمت حرف می‌زدیم که دل‌ها نرم می‌شود و اشک‌ها سرازیر می‌گردد و این تأثیر رحمت است. با ملایمت انسان بهتر می‌تواند مسائل را حل کند تا شدت...».

با توجه به جایگاه امام خمینی(ره) به عنوان یک فقیه مبارز نمی‌توان از انتطابق و پیروجویی این رویکرد امام خمینی(ره) با قرآن خودداری کرد. توجه به آیه «قَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْتًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْتَشِي: و با او سخنی نرم گویند شاید که پند پذیرد یا بترسد.» (طه، 44) و مقایسه رفتار ایشان در مبارزه دوران ستم‌شاهی و نیز دوران رهبری خبر از نوعی همسویی میان رفتار و گفتار ایشان در خصوص روش‌های مبارزه و قرآن در تاکید بر ملایمت و نفی خسونت دارد.

ایشان در جای دیگری این مسئله را مطرح می‌کند که برای مقابله با تخلفات، ملایمت بهتر از خسونت پاسخ می‌دهد: «توجه کنیم این که اگر یکی تخلف کرد جلوی او را بگیریم نه با داد و دعا، گفتن با ملایمت. اگر یک کسی کار خلافی کرده و صد نفر آدم با ملایمت، سلام کرد تعارف کرد... آن کار خوب نبوده؛ تأثیر می‌کند در انسان و نمی‌تواند تخلف کند...».

نفی خسونت توسط امام خمینی(ره) به عنوان روش رفتار اجتماعی نه در دوران مبارزه سیاسی بلکه در دوران رهبری نظام نیز مشهود بود و ایشان همواره مردم را از تعدی و ظلم در خصوص سران رژیم سابق منع می‌کردند. ایشان در همین راستا فرمودند «افرادی که به عنوان اسیر در اختیار شما قرار می‌گیرند هرگز مورد خسونت و آزار قرار ندهید. همچنان که سنت اسلامی است به اسیران محبت و مهربانی کنید.»